

نقش شبکه‌های اجتماعی در توانمندی زنان از منظر صاحب‌نظران حوزهٔ زنان، جنسیت و ارتباطات

حمید عبداللهیان^۱، نیلوفر هومن^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۳، تاریخ تایید: ۹۸/۸/۲۴

چکیده

این مقاله، بخشی از مطالعه‌ای است که برای فهم قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی در توانمند شدن زنان در ایران انجام شده است. بنابراین، نتایج این مطالعه، برای سیاست‌های توسعه در ایران، جنبهٔ کاربردی دارد. برای انجام این مطالعه، با ۱۴ صاحب‌نظر در حوزهٔ زنان، جنسیت و ارتباطات، مصاحبه عمیق انجام دادیم تا هم وضع موجود را بشناسیم و هم بتوانیم ظرفیت‌های احتمالی این شبکه‌ها را در جهت توانمند شدن زنان، شناسایی کنیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی که شبکه‌سازی و سهولت در تبادل اطلاعات را تسریع می‌بخشند، پیامدهای قابل توجهی برای توانمند شدن زنان از جمله امکان خوداشتغالی، جسارت در اظهار خود، به‌اشتراک‌گذاری دانش و مهارت، افزایش خودآگاهی جنسیتی و روحیهٔ مطالبه‌گری، بازاندیشی در هویت زنانه و... را نیز به همراه دارند. با این وجود، به‌نظر می‌رسد دولت و نهادهای سیاست‌گذار در اعمال سیاست‌گذاری مناسب در جهت بهره‌وری از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی هنوز به نتیجه‌گیری نهایی دست نیافته‌اند. در مقابل، با مقاومتی که ناشی از اتخاذ رویکرد سیاسی نسبت به این شبکه‌ها دیده می‌شود، ظرفیت‌های واقعی شبکه‌ها به هدر می‌رود و جنبه‌های سطحی این شبکه‌ها از جمله تبادل عکس و متن و سرگرمی برای کاربران پر رنگ شده است.

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان، شبکه‌های اجتماعی، صاحب‌نظران، فمینیسم، مصاحبهٔ عمیق.

۱ استاد گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ habdolah@ut.ac.ir
۲ دانشجوی دکتری ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران niloofarhooman@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

این مقاله، نتیجه یک مطالعه میدانی است و سعی دارد ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی را در روند توانمند شدن زنان ایران از نگاه صاحب‌نظران حوزه زنان، جنسیت و ارتباطات ارزیابی کند. این مطالعه کمک می‌کند تا ضمن دستیابی به شناخت از وضع موجود، ظرفیت‌های احتمالی شبکه‌های اجتماعی برای ارتقاء توانمندی زنان و افزایش سهم آنان در فرآیند توسعه ایران مشخص شود. در واقع، این مقاله بر توانمندسازی زنان به عنوان یکی از اهداف توسعه تأکید دارد؛ چراکه زنان ایرانی در ارتقاء بهره‌وری و رشد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران، به عنوان کنشگران توسعه نقش دارند. بدین منظور، پرسش‌های زیر را با صاحب‌نظران مطرح کردیم:

- یک زن توانمند در فرآیند توسعه ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟
 - چرا پرداختن به بحث توانمند شدن زنان مهم است؟
 - ارزیابی شما از حضور زنان در شبکه‌های اجتماعی چیست؟
 - آیا ظرفیت‌هایی در شبکه‌های اجتماعی برای کمک به فرآیند توانمندی زنان وجود دارد؟
- توضیح آنکه، توانمند شدن زنان برای فرآیند توسعه کشور مهم و ضروری است؛ به طوری که برخی معتقدند توسعه بدون مشارکت فعال زنان میسر نخواهد شد (Bala, 2017; Nord & et al, 2017). از این رو، فراهم بودن بستر مناسب برای توانمندسازی زنان که مشارکت بیشتر آنها را به دنبال خواهد داشت، امری است که باید برنامه‌ریزان توسعه کشور آن را مدّ نظر قرار دهند.
- بر همین اساس، در کشور ما نیز پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، در برخی از برنامه‌های توسعه‌ای کشور، به زنان توجه شده است که البته هر کدام ملاحظات جنسیتی متعددی داشته‌اند. برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به ترتیب برای سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۷۲) و (۱۳۷۴-۱۳۷۸) تدوین شد. در نخستین برنامه، هنوز مسئله جنسیت و شکاف‌های جنسیتی برجسته نبودند و اساساً تصور نمی‌شد که مسئله مهمی است.
- در قانون برنامه دوم توسعه نیز در مجموع، دو بار به زنان اشاره شده است که یکی اشاره به بهبود تأمین اجتماعی زنان به عنوان اقشار کم درآمد و دیگری به ایجاد امکانات ورزشی برای دانش آموزان دختر و بانوان اشاره داشته است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴: ۱۵).
- شروع توجه جدی به مسئله جنسیت و زنان، از برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) است؛ چراکه یک ماده مشخص (ماده ۱۵۸) به مسئله زنان اختصاص دارد و همچنین به زمینه‌سازی

برای ایفای نقش مناسب تر زنان در توسعه کشور و ارائه طرح‌هایی برای افزایش فرصت‌های شغلی و خدمات مختلف اجتماعی زنان توجه شده است.

در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نیز دولت موظف شد با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، دست به اقداماتی مانند تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات (به‌ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان و...) بزند (منصور، ۱۳۸۸: ۱۹۰-۶۹).

پنجمین برنامه توسعه کشور برای سال‌های (۱۳۹۴-۱۳۹۰) تنظیم شد. در این برنامه، به گسترش کسب و کار خانگی و مشاغل از راه دور برای اشتغال زنان تأکید شده بود (منصور، ۱۳۹۰: ۱۰۵-۷۸). در ماده ۴۴ نیز با عنوان بخش حمایتی و توانمندسازی، دولت موظف به انجام اقداماتی جهت توانمندسازی افراد و گروه‌های نیازمند (به‌ویژه زنان سرپرست خانوار) شده بود.

در برنامه ششم توسعه که برای سال‌های (۱۳۹۹-۱۳۹۵) تنظیم شده است، ماده ۳۱ مربوط به زنان و خانواده است. در این ماده آمده است: به‌منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و یکم قانون اساسی اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه ششم مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوقی شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» و نیز به‌منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن، کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد «عدالت جنسیتی» در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار تصمیمات خود در آن چارچوب، بر اساس «شاخص‌های ابلاغی» ستاد ملی زن و خانواده اقدام نمایند (احمد آبادی پور و بامداد، ۱۳۹۵: ۱۷).

با وجود اینکه در تحقق امر توسعه، باید به توانمندسازی و عاملیت زنان به‌عنوان بخشی از نیروی انسانی جامعه توجه داشت، اما مرور اجمالی بر برنامه‌های توسعه کشور نشان می‌دهد که نقش زنان به‌عنوان نیروی انسانی فعال، تا حدی مورد غفلت واقع شده است، هرچند تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است. علاوه بر این، سرشماری عمومی نفوس و مسکن^۱ کشور در

1395-سرشماری-کلی-نتایج/سرشماری-نتایج/مسکن-و-نفوس-عمومی-سرشماری/ <https://www.amar.org.ir/>

سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که ۳۲,۸۵۹,۳۷۷ نفر از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند و از این تعداد، ۴۲۷,۹۷۸,۲۰ نفر (یعنی حدود دو سوم آن) غیرشاغل و جزء جمعیت غیرفعال هستند (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این آمارها نشان می‌دهد که بخش بسیاری از جمعیت زنان ایرانی، خارج از عرصه فعالیت هستند و این بدان معناست که بخش قابل توجهی از نیروی انسانی ایران نقش قابل قبولی در فرآیند توسعه کشور ندارد. از این رو، این مقاله سعی دارد با پرداختن به دیدگاه صاحب‌نظران، نشان دهد شبکه‌های اجتماعی یکی از ابزارهایی هستند که می‌توانند در کنار سایر اقدامات دولتی، در جهت تسریع فرآیند توانمند شدن زنان یاری‌رسان باشند و در نتیجه، سطح مشارکت آنان در اجتماع را افزایش دهند.

در ایران با وجود گستردگی شبکه‌های اجتماعی، آمار دقیقی در مورد تعداد کاربران این شبکه‌ها وجود ندارد اما گفته می‌شود بیش از ۴۰ میلیون ایرانی در شبکه‌های اجتماعی و پیام رسان‌های خارجی عضو هستند^۱ (Financial Tribune, 2018) و زنان بخش عمده‌ای از این تعداد را تشکیل می‌دهند.

مطالعات و تحقیقات (Heeks & et al, 2004; Brodman & Berazneva, 2007; Shirazi, 2012; Khan & Moin, 2013; مرشدی و کاظمی، ۱۳۹۲؛ سواری و دیگران، ۱۳۹۲؛ بیدهنی، ۱۳۹۲) متعددی نیز نشان داده است که تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی با سهولت در دسترسی و ظرفیت‌های بالقوه‌ای که دارند، زمینه ساز بستری طلایی برای توانمندی زنان به شمار می‌روند.

به طور مثال، خان^۲ و معین^۳ (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان «توانمندسازی زنان: نقش رسانه‌های جدید»، معتقدند که رسانه‌های جدید یک ابزار قدرتمند برای توانمندسازی جنسیتی زنان در کشورهای در حال توسعه مانند هندوستان هستند. به باور آنها، این رسانه‌های جدید، روی توانمندسازی زنان در حوزه‌هایی مانند آموزش، سواد، بهداشت و سلامت، دانش، سبک زندگی و... متمرکز شده‌اند.

در پژوهش دیگری با عنوان «توانمندسازی زنان: تکنولوژی‌های اجتماعی در اسلوونی، رومانی و گرجستان»، نورد^۴ و دیگران (۲۰۱۵) چگونگی استفاده از تکنولوژی‌های اجتماعی را در بین ۴۰۰ زن شاغل در سه کشور ذکر شده، مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان

1 <https://financialtribune.com/articles/sci-tech/81536/latest-data-on-iran-surge-in-social-media-use>

2 Khan

3 Moin

4 Nord

داد، تکنولوژی‌های اجتماعی، پیامدهای مثبتی مانند توانایی دسترسی به اطلاعات مورد نیاز، ارتباطات سریع و موثر، افزایش آگاهی و افزایش تعداد فرصت‌ها را برای کاربران خود به همراه داشته است. همچنین یافته‌ها بیانگر تأثیر استفاده از تکنولوژی‌های اجتماعی بر توانمندسازی زنان بوده است.

مطالعه نقش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی در روند توانمندسازی زنان، مورد توجه پژوهشگران داخلی کشور نیز بوده است. به‌طور مثال، فرید شیرازی (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان «تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی و توانمندسازی زنان در ایران» به این بحث پرداخته است که با ورود اینترنت به ایران، زنان از این ابزار ارتباطی نه تنها برای دسترسی به اطلاعات، بلکه برای ابراز نگرانی‌هایشان در خصوص تبعیض‌های جنسیتی و همچنین برای مشارکت در گفتمان عمومی بهره برده‌اند. بنابراین فعالیت‌های دیجیتال زنان را یک ابزار موثر جهت مشارکت در گفتمان ارتباطی و پویایی آنان برای رسیدن به عدالت اجتماعی در نظر می‌گیرد (۲۰۱۱: ۴۵). بیدهندی و دیگران (۱۳۹۲)، نیز با رویکردی میان رشته‌ای در پژوهش خود با عنوان «بررسی قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در توانمندسازی زنان روستایی» سعی کردند تا تأثیرگذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات را بر توانمندسازی زنان روستایی در بخش مرکزی شهرستان لاهیجان تحلیل کنند. یافته‌های پژوهش، فرضیه اولیه را مبنی بر اینکه فناوری اطلاعات و ارتباطات بخش‌هایی از توانمندی ایجاد شده در زنان روستایی مورد مطالعه را تبیین می‌کند، اما سطوح توانمندی در مراحل مختلف متجانس و موزون نیست و در مرحله رفاهی بیشتر از سایر مراحل است، تأیید کرد.

مروری بر پژوهش‌های خارجی و داخلی در ارتباط با نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان، نشان می‌دهد که این ابزارهای ارتباطاتی بر توانمند ساختن زنان اثرگذار بوده‌اند و زنان را در برخی حوزه‌ها مانند مشارکت در گفتمان ارتباطی جامعه، آموزش، بهداشت، سلامت و... توانمند ساخته‌اند، اما آنچه ما قصد داریم به مطالعه آن بپردازیم، شناسایی ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی به‌طور خاص در جهت توانمندسازی زنان از منظر صاحب‌نظران حوزه زنان و ارتباطات است؛ کاری که پیش از این تجربه نشده و در مطالعات ارتباطی مغفول مانده است.

ملاحظات نظری

مفاهیم توانمندی و فمینیسم سایبر و کاربرد آنها در تبیین نقش زنان در شبکه‌های اجتماعی

حساسیت نظری مقاله بر اساس دو مفهوم توانمندی و فمینیسم سایبر شکل می‌گیرد؛ چراکه این دو مفهوم، برای ایجاد سنتز نظری این مطالعه مفیدند و این سنتز، ارتباط بین کاربری شبکه‌های اجتماعی و توانمند شدن زنان را تبیین می‌کند.

مروری بر رویکردهای مختلف به بحث توانمندی نشان می‌دهد که تعاریف متعددی از این مفهوم وجود دارد و صاحب‌نظران به جنبه‌های گوناگونی از آن پرداخته‌اند (Barden & Oxaal, 1997; Barden & Reeves, 2000; Kabeer, 2001; Dejenem, 2003; Ogato, 2013). با این حال، مفاهیمی چون حق انتخاب، کنترل برخورداری از و دسترسی به منابع، احساس استقلال، اعتماد به نفس بیشتر، قدرت تصمیم‌گیری و... در بسیاری از تعاریف مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، نظریه توانمندسازی به اهمیت افزایش قدرت برای زنان واقف است و سعی می‌کند که قدرت را کمتر به صورت برتری فردی بر فرد دیگر و بیشتر از نظر توان زنان در جهت افزایش خوداتکایی و قدرت درونی شناسایی کند. این امر، به صورت حق انتخاب در زندگی و تأثیرگذاری بر انتخاب جهت تغییرات از راه به دست گرفتن کنترل منابع مادی و غیر مادی اساسی محقق خواهد شد (کولایی و حافظیان، ۱۳۸۵: ۴۷)، اما از آنجا که در این مقاله قصد داریم تا ارتباط بین توانمندی و استفاده زنان از شبکه‌های اجتماعی در ایران را مورد مطالعه قرار دهیم، ناگزیر به نظریه‌های فمینیستی و رویکردی که هر کدام نسبت به فناوری اتخاذ می‌کنند، نیز اشاره می‌شود؛ چراکه این نظریه‌ها می‌توانند زمینه‌ای برای درک تاریخی ارتباط زنان با فناوری فراهم کنند و این امر، به فهم بهتر مسئله تحقیق کمک خواهد نمود.

جوهره اصلی تمامی نظریه‌های فمینیستی این است که حقوق، مزیت‌ها، موقعیت‌ها و وظایف نباید از روی جنسیت افراد مشخص شوند (Miller, 1976: 87). فارغ از گستردگی اندیشه‌های فمینیستی، سه مکتب شاخص جای بحث دارند که کاملاً از هم متمایز نیستند و در واقع، تمیزدادن دقیق آنها از یکدیگر، بسیار دشوار است. این سه دیدگاه، مواضع مختلفی نسبت به تکنولوژی دارند که نیاز است به آنها پرداخته شود.

اولین دیدگاه؛ فمینیسم لیبرال است. از نظر این گروه، «زنان از دسترسی به فناوری به عنوان یک نتیجه اجتماعی محروم شده‌اند، در نتیجه، آنها فرصت‌های موجود برای شرکت در

فعالیت‌های فناورانه را نداشته‌اند. فمینیست‌های لیبرال، راه حل را در افزایش تعداد زنان در زمینه‌های فناوری از طریق طرح‌های آموزش و پرورش و دسترسی بیشتر آنها به مشاغل در این زمینه می‌دانند (Van Zoonen, 2002: 14).

دیدگاه دوم؛ فمینیسم سوسیالیست است که به ساختار پدرسالاری و سرمایه‌داری برای توضیح رابطه نابرابر زنان به فناوری توجه دارند. از نظر این گروه، فرهنگ مردانه فناوری‌ها اساساً به گونه‌ای است که هنوز تقسیم جنسیتی کار را بازتولید می‌کند. ادعای طرفداران این دیدگاه، این است که دسترسی، به تنهایی همه‌چیز را تغییر نمی‌دهد، نیاز به بازسازی جامعه وجود دارد (Griffith, 1985 نقل شده در Sayers, 1998).

در نهایت نیز دیدگاه فمینیسم رادیکال مطرح است که پیروان آن معتقدند فناوری امری مردانه است و سلطه مردان را بازتولید می‌کند. آنها برای حل این مشکل، خواستار تعامل زنان با فناوری به‌منظور ایجاد فناوری بر اساس ارزش‌های زنان هستند (Sayers, 1998).

مروری بر دیدگاه‌های فمینیستی دهه ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که آنها نسبت به چشم‌اندازهایی که به وسیله انقلاب فناورانه برای زنان ارائه شده بود، نگاه نسبتاً بدبینانه‌ای داشتند، با این حال، اشتیاق بیشتری برای آغاز عصر دیجیتال وجود داشت. رویکردهای فمینیستی دهه ۱۹۹۰ و دهه ۲۰۱۰ در مورد امکانات تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی برای توانمندسازی زنان و تغییر روابط جنسیتی، مثبت و خوش‌بین بودند (Green & Adam, 1999; Kemp & Squires, 1998).

به موازات توسعه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، مبحث جدیدی تحت عنوان فمینیسم سایبر به نظریه‌های پیشین اضافه شد که اشاره به طیفی از نظریه‌ها دارد و در خصوص ارتباط بین جنسیت و فرهنگ دیجیتال بحث می‌کند (Flanagan & Booth, 2002: 12). فمینیست‌های سایبری همچون سدی پلنت^۱ (۱۹۹۸)، تکنولوژی‌های دیجیتالی را به‌عنوان محو شدن و تار شدن مرز بین انسان و ماشین، مرد و زن، می‌بینند که کاربران خود را قادر می‌سازند تا لباس مبدل خود را انتخاب کنند و هویت‌های جایگزینی برای خود در نظر بگیرند. تکنولوژی‌های صنعتی ممکن است ویژگی پدرسالارانه داشته باشند، اما فناوری‌های دیجیتال، مبتنی بر مغز هستند و نه ماهیچه یا نیروی فیزیکی، بر اساس شبکه هستند و نه سلسله‌مراتبی و بیانگر رابطه جدیدی بین زنان و ماشین هستند (Wajcman, 2009: 148-149).

نظریه پردازان فمینیسم سایبر، بیشتر علاقه‌مندند تا به مطالعه نقش زنان در عصر تکنولوژی و رابطه میان زنان و تکنولوژی بپردازند و چگونگی استفاده زنان از تکنولوژی در جهت مقابله با جوامع پدر سالار را واکاوی نمایند (Kit Sze, 2003: 379). از این رو، بر قدرت دگرگون‌کننده فضای مجازی که زنان را قادر می‌سازد تا از جنسیت، طبقه، قومیت، تمایلات جنسی و دیگر مقوله‌های هویت‌ساز فراتر روند و به نوعی برابری در حوزه عمومی مجازی دست یابند، تأکید دارند.

بنابراین ما فکر می‌کنیم این رویکرد را می‌توان برای تبیین مسئله این مقاله مورد استفاده قرار داد؛ چراکه می‌توان گفت، شبکه‌های اجتماعی نیز بر اساس ارزش‌های باز بودن، همکاری و شبکه‌سازی، افراد را دعوت به مشارکت می‌کنند و از این رو، در سطح نظری هماهنگ با ارزش‌های فمینیستی مانند دسترسی، همکاری و شمول هستند. این بازبودگی و قدرت شبکه‌سازی بستری فراهم می‌کند که زنان امکان در اختیار گرفتن منابع مادی و غیر مادی زندگی خود را می‌یابند. اگر این رویکرد را مبنای تبیین نظری مسئله مقاله قرار بدهیم، در این صورت، روش تحقیق را نیز بر همین اساس تنظیم می‌کنیم.

روش‌شناسی مطالعه اثر شبکه‌های اجتماعی در توانمندسازی زنان

روش تحقیق در این مطالعه، مبتنی بر رویکرد کیفی بوده و از مصاحبه عمیق و تحلیل محتوای کیفی متن مصاحبه‌ها استفاده شده است. اگر مبنای مطالعه را ادعاهای فمینیسم سایبر قرار بدهیم، در این صورت، لازم است ببینیم که صاحب‌نظران حوزه زنان، جنسیت و ارتباطات چگونه فرآیند توانمندسازی زنان از طریق شبکه‌های اجتماعی را توجیه می‌کنند. بنابراین باید با رویکرد کیفی کار را ادامه دادیم و مصاحبه را به روش لیندلاف و تیلور (۱۳۸۸) به‌عنوان فن گردآوری داده‌ها برگزیدیم.

با توجه به مسئله این پژوهش، از میان انواع مصاحبه‌های عمقی، مصاحبه با متخصصان (افراد مطلع) را که نوعی از مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته است، انتخاب کردیم (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۸۳). از نظر ما این افراد باید در حوزه زنان، جنسیت و ارتباطات، متخصص می‌بودند. پرسش‌های مطرح شده در مصاحبه نیز با توجه به مسئله تحقیق و پژوهش‌های پیشین در این زمینه، استخراج شدند. ضمناً از نمونه‌گیری غیر احتمالی و هدفمند استفاده کردیم و نمونه‌گیری را تا جایی ادامه دادیم که به اشباع نظری رسیدیم.

بدین ترتیب در نهایت با ۱۴ نفر از صاحب‌نظران مصاحبه شد که اطلاعات این افراد و ارتباطشان با مسئله پژوهش به شرح زیر است:

جدول شماره ۱: اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

شماره مصاحبه‌شونده	جنس	تخصص مصاحبه‌شوندگان
۱	زن	استاد دانشگاه و محقق در حوزه مطالعات زنان و جنسیت
۲	زن	عضو هیئت علمی پژوهشی و محقق در حوزه مطالعات زنان و جنسیت
۳	مرد	عضو هیئت علمی پژوهشی و محقق در حوزه مطالعات زنان و جنسیت
۴	زن	استاد دانشگاه و محقق در حوزه ارتباطات اجتماعی و زنان
۵	مرد	استاد دانشگاه و محقق در حوزه شبکه‌های اجتماعی
۶	زن	محقق در مقطع پسادکتری و متخصص در حوزه مطالعات زنان و جنسیت
۷	زن	استاد دانشگاه و محقق در حوزه مطالعات زنان و جنسیت
۸	زن	استاد دانشگاه و محقق در حوزه مطالعات زنان و جنسیت
۹	مرد	استاد دانشگاه و محقق در حوزه شبکه‌های اجتماعی
۱۰	زن	عضو هیئت علمی پژوهشی و محقق در حوزه مطالعات زنان و جنسیت
۱۱	زن	عضو هیئت علمی پژوهشی و محقق در حوزه مطالعات زنان و جنسیت
۱۲	زن	عضو هیئت علمی پژوهشی و محقق در حوزه مطالعات زنان و جنسیت
۱۳	زن	عضو هیئت علمی پژوهشی و محقق در حوزه مطالعات زنان و جنسیت
۱۴	زن	محقق در حوزه شبکه‌های اجتماعی

پس از انجام مصاحبه با متخصصان، به تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های انجام‌شده پرداختیم. برای کدگذاری و تحلیل، متن مصاحبه‌ها را به واحدهای تحلیلی کوچک تر تقسیم کردیم و شیوه تکوین استقرایی مقوله‌ها را برای تحلیل محتوای کیفی متن مصاحبه‌ها برگزیدیم. در این شیوه، مقولات بارها و بارها اصلاح و از تعداد آنها کاسته شد تا در نهایت مقولات اصلی باقی ماندند.

برای تحلیل‌ها از نرم‌افزار کیفی مکس کیو دی‌ای (MAXqda) استفاده شد تا نمودارهای مورد نیاز ترسیم شده و مصورسازی داده‌ها صورت‌پذیرد.

یافته‌های تحقیق

در این قسمت، به مقوله‌های به‌دست آمده از مصاحبه با صاحب‌نظران و شرح گزاره‌های معنادار مربوط به هر مقوله می‌پردازیم تا ارزیابی صاحب‌نظران را از بحث توانمندی زنان و نقشی که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در راستای آن ایفا کنند، نشان دهیم.

۱- خصیصه‌های زن توانمند

الف) برخورداری از توانایی در عرصه‌های متعدد

از نظر مصاحبه‌شوندگان، توانمندی یک فرآیند چندبُعدی است که اگرچه زنان نمی‌توانند در همه ابعاد به یک میزان توانمند شوند، اما هر چقدر نگاهی چندجانبه‌نگرتر را در زندگی خود دنبال کنند، زن تواناتری خواهند بود. به‌طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۲ می‌گوید:

«زنی توانا است که از نگاهی چندجانبه‌نگر برخوردار است، بدین معنا که اگر من در حوزه‌ای که دارم کار می‌کنم به بالاترین درجه و رتبه برسم، اما با خانواده‌ام ارتباط مناسبی نداشته باشم، فرزندم از حضور من لذت نبرد، نمی‌توانم بگویم من زنی توانا هستم؛ چون نتوانسته‌ام تعادل را حفظ کنم. از آن طرف نیز اگر شرایط خانوادگی‌ام را طوری ایجاد کنم که حال خوبی در آن داشته باشیم، ولی در شرایط اجتماعی کنشگر خوبی نباشم و مسائل اجتماعی را دنبال نکنم، مسائل سیاسی را رصد نکنم و تحلیل و نگرشی نسبت به آنها نداشته باشم، باز هم نمی‌توانم به خودم بگویم که من زنی توانا هستم».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ می‌گوید:

«از نظر من زنی توانمند است که توانمندی او مختص به یک بعد نباشد. زن توانمند در اقتصاد فعال است، در جامعه مدنی فعال است، به دنبال فرصت‌هایی است که بتواند شرایط زندگی خود را بهبود ببخشد، توانایی قلم به‌دست گرفتن و اظهار خود را دارد».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ می‌گوید:

«زن توانمند زنی است که آگاهی دارد، مهارت دارد و وقتی می‌گوئیم مهارت یعنی دانشش به عمل تبدیل شده است و این نکته مهم ماجرا هست. سوم، آزادی دارد، یعنی از حق انتخاب برخوردار است».

ب) برخورداری از استقلال مالی

از نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان، زن توانمند زنی است که به لحاظ مالی از همسر و خانواده خود مستقل باشد؛ چراکه نمی‌توان انتظار داشت زنی که از نظر مالی وابسته است، بتواند استقلال فکری داشته باشد. به‌عنوان مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۲ می‌گوید:

«من یک موقعی فکر می‌کردم که حضور اجتماعی به معنای توانمند شدن زن است و خیلی برام مهم بود، ولی الان معتقدم استقلال مالی پایه توانا شدن زن است. شما نمی‌توانید در جیب شخص دیگری باشد و استقلال فکری داشته باشید».

مصاحبه‌شونده شماره ۷ نیز معتقد است:

«زن توانمند از نظر من زنی شاغل است که می‌تواند درآمدزایی کند و استقلال مالی داشته باشد؛ چراکه بدون استقلال مالی امکان کافی جهت مانور در عرصه‌های دیگر را ندارد».

ج) برخورداری از قدرت تصمیم‌گیری

برخورداری از استقلال در تصمیم‌گیری برای مسائل فردی و حتی خانوادگی از جمله قابلیت‌هایی است که برخی از مصاحبه‌شوندگان از آن به‌عنوان ویژگی یک زن توانمند یاد کرده‌اند. به‌طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۸ می‌گوید:

«شما به‌عنوان یک زن توانمند باید بتوانید مسیر خودتان را انتخاب کنید، با کسب آگاهی و با کسب حمایت، اما نهایتاً تصمیم با شما باشد. مثلاً می‌خواهید ادامه تحصیل دهید، می‌خواهید ازدواج کنید، می‌خواهید بچه دار شوید یا نشوید، و...».

مصاحبه‌شونده شماره ۶ می‌گوید:

«یک زن توانمند از نظر من، زنی است که بتواند برای بدن خودش تصمیم بگیرد. در موقعیت‌هایی که دلش می‌خواهد بگوید بله و در موقعیت‌های دیگر بگوید نه. بتواند در برابر فشارهای اجتماعی و خانواده، ایستادگی کند و نه بگوید».

د) برخورداری از توانایی در رفع موانع اجتماعی و محدودیت‌ها

ویژگی دیگر یک زن توانمند از نظر برخی مصاحبه‌شوندگان، توانایی در عبور کردن از موانع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و همچنین محدودیت‌هایی است که از جانب جامعه به زن تحمیل می‌شود. به‌طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۴ معتقد است:

«در جامعه ایران با توجه به قوانین، فضا و آسیب‌هایی که برای زنان وجود دارد مخصوصاً مشکلاتی که به‌لحاظ حقوقی دارند، زنی توانمند است که بتواند در این فضای اجتماعی مستقل باشد، موانع را پس بزند و به خود شکوفایی برسد. در واقع، بتواند توانایی‌های خودش را از بالقوه بالفعل کند و البته منظورم فقط خودشکوفایی در بخش اقتصاد نیست، خود شکوفایی در جنبه‌های مختلف مثل کسب آموزش، کنشگری، درآمدزایی، مطالبه‌گری و...».

مصاحبه‌شونده شماره ۹ می‌گوید:

«از نظر من زنی که بتواند موانع و محدودیت‌هایی را که در سر راهش جهت ارتقای وضعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌اش وجود دارد، کنار بزند، یک زن توانمند است».

دومین مقوله به ضرورت توانمند شدن زنان مربوط است که خود به زیر مقوله‌هایی به شرح زیر تقسیم می‌شود.

۲- ضرورت توانمند شدن زنان

این مقوله، در چهار قسمت به شرح زیر مورد بحث است:

الف) پیشرفت و توسعه کشور

«سرمایه‌گذاری روی قابلیت‌های زنان و توانمند ساختن آنها جهت تصمیم‌گیری، نه تنها برای خود زنان ارزشمند است، بلکه همچنین مطمئن‌ترین راه برای مشارکت در رشد اقتصادی و به‌طور کلی توسعه جامعه است» (سازمان ملل، ۱۹۹۵؛ نقل شده در Phan, 2013: 49). برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز بر ضرورت پرداختن به توانمندی زنان جهت توسعه کشور تأکید ورزیده‌اند. به‌طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۸ معتقد است:

«یک بخشی از بحث مربوط به توسعه کشور، عملکرد نیروهای انسانی است. اگر ما به نقش نیروی انسانی در توسعه و پیشرفت کشور اعتقاد داریم، پس باید حواسمان به زنان هم باشد؛ چراکه بخش عظیمی از سرمایه انسانی کشور را زنان تشکیل می‌دهند که می‌توانند با توانایی‌ها و قابلیت‌هایی که دارند در فرآیند توسعه کشور اثرگذار باشند».

مصاحبه‌شونده شماره ۷ می‌گوید:

«توسعه از نظر من یعنی اینکه برای افراد افق‌های جدید و بزرگی تدوین شود. توسعه این نیست که پل یا سد بسازیم، توسعه یعنی اینکه به زنان به‌عنوان بخشی از منابع انسانی کشور نگاه کنیم و اگر در پی توسعه کشور هستیم، این گروه عظیم را هم در نظر بگیریم. بستری فراهم کنیم تا زنان بتوانند آنچه که می‌خواهند باشند، نه اینکه آنها را حذف کنیم و یا نقش‌ها را به آنها تحمیل کنیم. از این رو توانمند شدن زنان مسئله مهمی است که در مسیر توسعه کشور باید به آن توجه کنیم؛ چراکه بسترسازی، یک بخش است و بخش دیگر آن وجود زنان توانمندی است که واجد شرایط جهت پذیرفتن نقش‌های کلیدی در این بستر باشند».

ب) نادیده گرفتن حقوق و ظرفیت‌های زنان در مناسبات اجتماعی

یکی از مهم‌ترین دلایل ضرورت پرداختن به بحث توانمندی زنان از نظر صاحب‌نظران، فرودستی تاریخی زنان و در نظر نگرفتن ظرفیت‌های آنان در مناسبات اجتماعی در جامعه بوده است. واقع، درک جایگاه واقعی زنان در نهاد خانواده و در جامعه، مورد غفلت واقع شده است. در این زمینه، مصاحبه‌شوندگان جملات زیر را بیان داشته‌اند:

مصاحبه‌شونده شماره ۶ می‌گوید:

«پرداختن به توانمندی زنان بسیار مسئله مهمی است؛ چراکه به شکل تاریخی زن در موضع فرودستی در جامعه قرار گرفته است و همیشه هم در تلاش بوده است تا خودش را ثابت کند و از حوزه‌های کوچک‌تر محیط اجتماعی مثل خانواده شروع کرده تا بعدها در عرصه اجتماعی خودش را ثابت کند. توانمندسازی زنان می‌تواند به آنها کمک کند تا جایگاه خودشان را به دست بیاورند و خودشان را از آن موضع فرودستی که به شکل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی همیشه تعریف شده، بیرون بیاورند».

مصاحبه‌شونده شماره ۳ می‌گوید:

«ساختار اجتماعی ما به لحاظ تاریخی با انقیاد گره خورده و شکل بارز این انقیاد را در مناسبات اجتماعی می‌توانیم ببینیم که هم شامل مردان و هم زنان است، اما در کشور ما به خصوص، این ابزارها و سیستم‌های منقادکننده در همه ساختارهای اجتماعی، در خانواده، مدرسه و... در مورد زنان اعمال می‌شود و این باعث می‌شود خود واقعی آنها شکل نگیرد. توانمند شدن زنان راهی است جهت تحقق خود واقعی زنان نه خودی که مناسبات اجتماعی به آنها تحمیل می‌کند».

ج) تضمین نسلی سالم تر برای آینده

تربیت نسل آینده توسط زنانی که به لحاظ فردی و اجتماعی توانا هستند از جمله دیگر دغدغه‌های برخی صاحب‌نظران در پرداختن به بحث توانمندی زنان بوده است.

مصاحبه‌شونده شماره ۲ می‌گوید:

«از نظر من، جامعه شکل نمی‌گیرد مگر اینکه زنان آن جامعه توانمند شوند؛ یعنی اگر زن در مسیرش نیفتد، هیچ چیزی درست نمی‌شود. شما وقتی زن را در مسیر درستی بیندازید، نسل بعدی را تضمین می‌کنید. اگر شما روی آموزش زنان و پروراندن توانایی‌های آنها سرمایه‌گذاری نکنید، یک زنی که تمام فکر و ذکرش در هفته این است که چی بخرد، چی بپوشد، به دنبال تجمل و مصرف گرایی باشد، این زن چه کاری می‌خواهد برای نسل بعدی کند؟ زنی که به لحاظ روحی در تلاطم است چون اولویت‌های زندگی‌اش را به درستی انتخاب نکرده است، چه انتظاری از او به عنوان مادر در جهت پرورش فرزندانش دارید؟».

مصاحبه‌شونده شماره ۵ می‌گوید:

«اساساً سازوکار اعمال قدرت بین زن و مرد متفاوت است و این سازوکار در فضایی یک به یک، فضایی که قانون حمایت نمی‌کند، باعث شده است که زن آسیب‌پذیر باشد. زن آسیب‌پذیر، زنی که توانمند نیست نمی‌تواند از خودش و خانواده‌اش حمایت کند، نمی‌تواند در پرورش فرزند موفق باشد و نسل سالمی برای جامعه پرورش دهد».

د) برابر شدن مناسبات درون خانواده (دموکراتیزه شدن)

از دیگر مسائلی که در خصوص اهمیت توانمند شدن زنان برای جامعه توسط برخی صاحب‌نظران مطرح شد، تأثیر توانمندی آنها به خصوص در بعد اقتصادی، بر جایگاه زن در ساختار خانواده بود.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ می‌گوید:

«زنی که به لحاظ اقتصادی توانمند است یعنی زنی که خارج از خانه می‌تواند پول در بیاورد، دیگر زنی نخواهد بود که هرچه شوهرش بگوید و به او دیکته کند، او نیز انجام دهد. بنابراین با توانمندی زن، ساختار خانواده هم تغییر پیدا می‌کند و روابط دموکراتیزه می‌شوند».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ نیز معتقد است:

«شاید یک زن در اینستاگرام شیرینی خانگی بفروشد، ولی همین حضور اجتماعی‌اش و اینکه می‌تواند به عنوان یک انسان خرج خودش را در بیاورد، مطمئناً توانمندی‌هایی به او می‌دهد که بتواند حقوقش را هم بیان کند و هم طلب کند. در نتیجه این سبب می‌شود که اگر او در یک چرخه خشونت خانوادگی هم باشد، بتواند از آن چرخه در بیاید و در یک رابطه نامتعادل باقی نماند».

مقوله سوم به ظرفیت شبکه‌های اجتماعی در توانمندسازی اشاره دارد که در این مطالعه به دنبال آن بودیم و افراد مصاحبه‌شونده نیز به آن اشاره کرده‌اند.

۳- ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی در توانمند شدن زنان

این مقوله در پنج قسمت قابل بحث است:

الف) تولید سرمایه اجتماعی

هاملتون^۱ و ولمن^۲ (۲۰۰۲، ۲۰۰۳) معتقدند که تکنولوژی‌های نوین، تولید سرمایه اجتماعی را تسهیل می‌کنند. این تکنولوژی‌ها و به خصوص شبکه‌های اجتماعی، کانال‌های جدیدی را برای دسترسی و برقراری رابطه عرضه می‌کنند و همچنین روابط جدید را شکل می‌دهند. برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز بر این مسئله تأکید ورزیده‌اند. به طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ می‌گوید:

«اگر سرمایه اجتماعی را شبکه روابط در نظر بگیریم، می‌توانم بگویم که شبکه‌های اجتماعی در این مورد بسیار عالی عمل کرده‌اند؛ چراکه این امکان را فراهم می‌کنند تا فرد به شبکه

1 Hamplton

2 Wellman

گسترده‌ای از روابط دسترسی داشته باشد، از افراد درون این شبکه یاد بگیرد، جسارت به دست آورد، پتانسیل‌های خود را در معرض عرضه قرار دهد. به واسطه این شبکه‌ای که ساخته آگاهی کسب کند، یاد بگیرد، کنشگری کند و...».

مصاحبه‌شونده شماره ۳ می‌گوید:

«زنان در این شبکه‌ها، دست به شبکه‌سازی می‌زنند، گفتگو می‌کنند و این گفتگو نوعی از سرمایه اجتماعی است. در مورد یک موضوعی رابطه‌ای شکل گرفته، میان ذهنیتی شکل گرفته و این میان ذهنیت به تعبیر من یعنی سرمایه اجتماعی. پس نمی‌توان از نقش این شبکه‌ها و ابزارها در ایجاد این تعاملات و به تبع آن تولید سرمایه اجتماعی غافل شد».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ می‌گوید:

«استفاده از شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از منابع مادی فیزیکی و ارتباطی جامعه توانسته با ایجاد همکاری و مشارکت، نقش چشمگیری در تعاملات اجتماعی و ارتباطی و ایجاد تغییر اساسی در کنش زنان فراهم کند. از آنجایی که سرمایه اجتماعی یعنی همکاری و مشارکت افراد یک جامعه، این شبکه‌ها توانستند به خوبی امکان مشارکت و تعامل را که بخشی از سرمایه اجتماعی هستند، برای زنان فراهم کنند».

ب) بستری برای کسب آگاهی

صاحب‌نظران معتقدند که یکی از ظرفیت‌هایی که شبکه‌های اجتماعی در جهت توانمند شدن برای زنان فراهم کرده‌اند، امکان عرضه دسترسی بیشتر زنان به دنیای وسیع‌تری از آگاهی در زمینه‌های مختلف مثل بهداشت، آموزش، کسب مهارت‌های فردی و... است. به طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۲ معتقد است:

«در کشور ما دامنه آگاهی‌ها محدود است و شبکه‌های اجتماعی توانسته‌اند فضای گسترده‌ای برای کسب آگاهی ایجاد کنند. این شبکه‌ها دامنه روابط آدم‌ها را گسترده می‌کنند و این باعث می‌شود افراد نسبت به مسائل مختلف شناخت پیدا کنند».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ می‌گوید:

«شبکه‌های اجتماعی با فراهم کردن زمینه‌های آگاهی بخشی به زنان، امکان بازاندیشی آنها نسبت به حق و حقوقشان را فراهم کرده است. زنان با عضویت در این شبکه‌ها، تعامل با همجنسان خود و دسترسی به منابع آگاهی بخش به اطلاعاتی دست یافته‌اند که می‌تواند روحیه مطالبه‌گری در خصوص حق و حقوقشان را در آنها تقویت کند. نتیجه این اطلاعات و تعاملات می‌شود خودآگاهی جنسیتی».

مصاحبه‌شونده شماره ۶ می‌گوید:

«در شبکه‌های اجتماعی افراد فمینیستی هستند که دارند در زمینه فمینیسم تولید محتوا و آگاهی بخشی می‌کنند. در مورد اینکه چگونه حق و حقوقشان را بخواهند، آگاهی می‌دهند که

البته ممکن است آگاهشان کند، ولی لزوماً در مواجهه با زندگی روزمره شان توانمندشان نکند یا کمکی به حل مشکلاتی که به شکل روزمره دارند تجربه می‌کنند مثل حس نابرابری، عدم امنیت و تبعیض نکند. ولی اینکه ظرفیتش وجود دارد؟ بله به نظر من ظرفیتش هست».

ج) توانمند ساختن زنان به لحاظ اقتصادی

از نظر صاحب‌نظران، نقش مهم دیگر شبکه‌های اجتماعی در فرآیند توانمند شدن زنان، ایجاد بستر مناسب برای کارآفرینان زن و کمک به آنها جهت تبلیغ تجارت، فروش محصولات و خدماتشان است. علاوه بر این، توانمندی اقتصادی زنان از نظر صاحب‌نظران، قدرت آنها را در ساختار خانواده نیز دستخوش تغییر می‌سازد. به طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۸ می‌گوید:

«قدرت با ثروت نزدیکی و همبستگی دارد. در جوامع در حال توسعه زنانی توانمند می‌شوند که بعدها دست به فعالیت اقتصادی می‌زنند؛ یعنی رابطه تنگاتنگی با هم دارند. وقتی زنی از خودش هیچ ثروتی ندارد، در نتیجه در مقابل همسر قدرت بیان ندارد، قدرت انتخاب ندارد، قدرت تأثیرگذاری ندارد. ولی وقتی پول در می‌آورد صاحب قدرت می‌شود، صاحب حرف می‌شود. بنابراین بین ثروت و قدرت رابطه هست و نسبتی بینشان برقرار است که شبکه‌های اجتماعی هم به آن کمک می‌کنند و زنان می‌توانند این ابزار را انتخاب کنند و از آن برای توانمند شدن بهره‌برداری کنند».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ می‌گوید:

«اقامتگاه‌های بوم‌گردی، نمونه بسیار موفقی از به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی در جهت توانمندی به لحاظ اقتصادی است. اینستاگرام باعث شده تعداد بسیاری از زنان روستایی با تبدیل خانه‌های خود به اقامتگاهی برای جذب توریست و تبلیغ آنها در اینستاگرام، کسب درآمد کنند و این تبدیل به یکی از مشاغل زنان روستایی شده است که سواد خاصی هم لازم ندارد».

د) صدا دادن به زنان

شبکه‌های اجتماعی بر افزایش میزان خوداظهاری زنان دامن زده‌اند و این امکان را برای آنها فراهم کرده که صدای خود را به گوش دیگران برسانند. به طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۱ معتقد است:

«اگر زنی در زمینه اجتماعی بخواهد خود بیانگری داشته باشد و بخواهد اطلاعات و دانش خودش را با دیگران به اشتراک بگذارد و یا حتی در معرض داوری دیگران قرار دهد و از طرف دیگر بتواند بازخورد دریافت کند، این شبکه‌ها خیلی به او کمک می‌کنند. این ظرفیت برای آقایان هم وجود دارد، اما چون زنان در جامعه ما تریبون کمتری در اختیار دارند، در مورد آنها خودش را بیشتر نشان می‌دهد».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ می‌گوید:

«شبکه‌های اجتماعی امکان خود اظهاری را برای زنان قطعاً فراهم کرده‌اند. قطعاً این زن می‌تواند در یک گروه وسیع‌تر نظرش را به اشتراک بگذارد، به زن صدا داده و آن چیزی که خیلی مهم است و در رویکرد توانمندسازی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که با زنان داریم صدا است. گاهی اوقات جامعه به زنان قدرت انتخاب می‌دهد اما صدا نمی‌دهد. این شبکه‌ها زنان را صاحب صدا کرده‌اند و ما از دورترین نقاط کشورمان صدای زنی را که مورد ظلم قرار گرفته است می‌شنویم».

هـ) امکان باز تعریف خود زنانه

برخی از مصاحبه‌شوندگان بر این موضوع تأکید کردند که شبکه‌های اجتماعی به زنان کمک می‌کنند تا خود زنانه‌شان را بازتعریف کنند و دیگر خود را صرفاً در نقش‌های سنتی بروز ندهند. به‌طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ می‌گوید:

«شبکه‌های اجتماعی باعث شدند که زنان بازتعریفی از خود ارائه دهند. در واقع، این شبکه‌ها کمک کرده‌اند تا مفهوم زنانگی یا مفهوم مادری به‌عنوان نقشی سنتی و در واقع، مهم‌ترین نقشی که جامعه به زن تحمیل کرده، دستخوش تغییر و تحول شود و زنان بتوانند خود را در نقش‌های دیگری نیز تجسم کنند».

مصاحبه‌شونده شماره ۴ می‌گوید:

«در بحث توانمندسازی بهتر است که به بحث خود زنانه بیشتر اهمیت دهیم چون این فضا شرايطی را ایجاد کرد که زنان احساس کنند آنها هم هستند و وقتی من احساس کنم که هستم و حقی دارم و اینکه بتوانم چه‌روم را به نمایش بگذارم؛ یعنی توانمند شدن چون در قدیم چهره زنان جزو گفتمان مسلط جامعه ایرانی بوده و الان این دارد تغییر می‌کند».

مقوله چهارم به نقد سیاست‌های موجود مربوط است.

۴- نقد سیاست‌ها

این مقوله نیز در سه بخش زیر مورد بحث قرار گرفته است.

الف) نداشتن دغدغه توانمندی زنان

یکی از موانع مهم در مسیر توانمندی زنان، نبود برنامه‌ریزان و سیاستمدارانی است که به این مهم توجه داشته باشند. در همین رابطه، مصاحبه‌شونده شماره ۱، معتقد است:

«برنامه‌ریزان ما اساساً دغدغه توانمندسازی زنان را ندارند. نه تنها ندارند بلکه مایل هستند آنان در شرایط سنتی و در خانه و خانواده باقی بمانند. طبیعتاً اینکه زن به حقوق و هویت انسانی خودش، به کارهایی که می‌تواند بکند، و اینکه به توانمندسازی خودش آگاه شود؛ برای اینها خیلی خوشایند نیست و اساساً توجهی به این قضیه نمی‌کنند. من الان در ایران هیچ دورنمایی نمی‌بینم که با این وضعیت و شرایط، برنامه‌ریزان که اکثر آنها هم مرد هستند به چنین فکری

روی بیاورند و حتی برنامه‌ریزی هم که زن هستند در چارچوب‌ها و قالب‌های مردانه کار می‌کنند و تمایل و توان پرداخت سنگین هزینه‌های مقاومت را ندارند».

ب) عدم سیاستگذاری مناسب

نبود سیاستگذاری منسجم که به قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی توجه کند، نسبت به این تکنولوژی‌ها مقاومت غیر منطقی نداشته باشد و زنان را به‌عنوان بخش عظیمی از سرمایه انسانی کشور در نظر گیرد، از جمله انتقاداتی است که برخی از صاحب‌نظران نسبت به سیاست‌های موجود داشته‌اند. به‌طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ می‌گوید:

«ما همیشه نسبت به هر چیز نو و هر تغییر جدیدی مقاومت داریم و با دید امنیتی، با دید منفی و با دید استثمارگرانه بهش نگاه می‌کنیم. اول یک مقاومت بسیار غیر منطقی داریم، هیچ نوع گشودگی ذهنی نداریم و چون گشودگی ذهنی نداریم اجازه هیچ نوع انتقال دانش، مهارت و آگاهی را به مجموعه شهروندانمون نمی‌دهیم؛ یک دفعه ناگهانی این فضا را باز می‌کنیم چون از همه جای دنیا عقب افتادیم. شما وقتی که فضا را باز می‌کنید بدون اینکه مهارت داده باشید، آموزش داده باشید، فهم داده باشید نسبت به ظرفیت‌های این فضا، در نتیجه از یک سفره پهنی که انواع و اقسامی از امکانات و خدمات را دارد به حداقل ترینش اکتفا می‌کنید».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ می‌گوید:

«ببینید شبکه‌های اجتماعی مثل یک داروی شفابخش هستند، ولی نوع استفاده از آنها به دلیل اینکه ما در جامعه فرهنگ‌سازی نمی‌کنیم، همه چیز را سیاسی می‌کنیم، مثلاً به این نتیجه می‌رسیم که تلگرام دارد امنیت ملی را به خطر می‌اندازد و در نتیجه یک دفعه تصمیم می‌گیریم که فیلترش کنیم، نمی‌توانیم از قابلیت‌هایش به نحو احسن استفاده کنیم».

ج) نبود آموزش مناسب

برخی از صاحب‌نظران به کمبود آموزش لازم جهت استفاده از شبکه‌های اجتماعی اشاره کرده‌اند و این را ناشی از خلاء سیاستگذاری منسجم در نظام آموزشی کشور می‌دانند. به‌طور مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ می‌گوید:

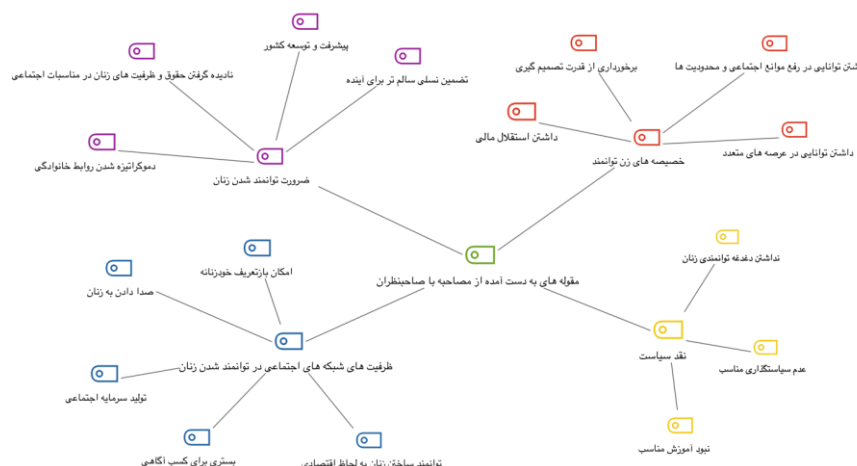
«وقتی ما نحوه قابلیت‌ها و نحوه استفاده از این فضا را آموزش نمی‌دهیم در نتیجه نمی‌توانیم افراد را نقد کنیم؛ چراکه سیستم آموزشی آنها را این‌گونه بار آورده است. می‌خواهم بگویم که هیچ پدیده‌ای ذاتاً مشکل ندارد و آسیب‌پذیر نیست و این عدم آموزش و فرهنگ استفاده از آن پدیده است که به جامعه آسیب می‌زند و وضعیت شبکه‌های اجتماعی در کشور ما نیز از این شرایط مستثنی نیستند».

مصاحبه‌شونده شماره ۲ نیز معتقد است:

«همیشه در کشور ما اول ابزار می‌آید و بعد فرهنگ استفاده از آن ابزار. این اتفاق در خصوص شبکه‌های اجتماعی نیز رخ داده است و چون ما آموزشی به افراد ندادیم، با آسیب‌های خیلی جدی رو به رو شدیم. مثلاً برای خیلی‌ها تلگرام شده منبع اطلاعات که در بسیاری مواقع این اطلاعات، اطلاعات سطحی و غلطی است. در واقع، می‌خواهم بگویم که وقتی ما آموزش نمی‌دهیم و سعی می‌کنیم آنها را فیلتر کنیم، این ممنوعیت‌ها آسیب‌های جدی‌تری وارد می‌کند».

جمع‌بندی مقولات

در اینجا مقوله‌های به‌دست آمده از تحلیل مصاحبه با صاحب‌نظران با استفاده از نرم افزار مکس. کیو. دی. ای^۱ در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است:



نمودار شماره ۱: جمع‌بندی مقولات به‌دست آمده از مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه زنان، جنسیت و ارتباطات در نرم افزار مکس. کیو. دی. ای

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، سعی شد تا دیدگاه‌های صاحب‌نظران در خصوص لزوم توانمند کردن زنان ایرانی و ظرفیت‌های احتمالی شبکه‌های اجتماعی برای رسیدن به این آن مورد بحث و مطالعه قرار گیرد. اگرچه اعتقاد داریم که پدیده‌های اجتماعی تک‌علتی نیستند، با این وجود تمرکز ما در این مقاله صرفاً نقش این شبکه‌ها بوده است. ضمناً نگاه مقاله به نقش شبکه‌های اجتماعی در توانمندسازی زنان، از منظر شیفتگی به این شبکه‌ها نبوده است. بلکه معتقدیم که آثار قطعی

این شبکه‌ها در توانمند شدن زنان در سال‌های آینده آشکار می‌شود. در عین حال، به‌عنوان افرادی که در نهادهای دانشگاهی فعالیت داریم لازم دیدیم با انجام تحقیق روند آتی آنها را مورد رصد قرار بدهیم تا از هم‌اکنون بتوانیم برای آینده آگاهانه قدم برداریم و اتفاقات را پیشگویی کنیم.

بر اساس تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها با متخصصان، می‌توان گفت مقوله توانمندی زنان نیاز به توجه جدی دارد و پیشرفت و توسعه کشور بدون در نظر گرفتن قابلیت‌های زنان و برنامه‌ریزی در جهت توانمند شدن هرچه بیشتر آنها، میسر نخواهد بود. نابرابری در توزیع قدرت بین دو جنس در جامعه، موانع حقوقی، قانونی و فرهنگی از عوامل اتلاف شدن بخش بزرگی از این سرمایه انسانی است که برای پیشرفت به آن نیاز داریم. از طرف دیگر، فرودستی زنان در مناسبات اجتماعی، از جمله دیگر دلایلی است که لزوم پرداختن به توانمند شدن زنان را توجیه می‌کند.

توانمندی راهی است که به زنان کمک می‌کند تا از موضع فرودستی خارج شوند و در عرصه‌های بالای اجتماعی، سیاسی و... طلب حق و مشارکت کنند، به خود واقعیشان تحقق ببخشند، خود تحمیلی که مناسبات اجتماعی آنها را وادار به پذیرش کرده، پس بزنند و با ساختارهای اجتماعی منقاد کننده مبارزه کنند.

نکته قابل تأمل دیگری که از جمع‌بندی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران می‌توان نتیجه گرفت این است که شبکه‌های اجتماعی با قابلیت شبکه‌سازی و سهولت در تبادل اطلاعات، پیامدهای قابل توجهی برای توانمند شدن زنان به همراه دارند. سرمایه اجتماعی که اینها برای زنان ایجاد می‌کنند، به خود اشتغالی زنان کمک می‌کند، به آنها جسارت خود اظهاری می‌دهد، آنها را به بازاندیشی در حق و حقوق خود وادار می‌دارد و روحیه مطالبه‌گری و خودآگاهی جنسیتی را در آنان افزایش می‌دهد.

پیامدهای اقتصادی نیز، از دیگر مواردی است که شبکه‌های اجتماعی بستر مناسبی برای آن فراهم کرده‌اند، به‌طوری که حتی می‌توانند منجر به تغییراتی در ساختار خانواده شوند. زنی که به‌لحاظ اقتصادی توانمند و مستقل است، امکان قدرت بیان و انتخاب بیشتری در مقایسه با یک زن خانه‌دار و صرفاً مصرف‌کننده خواهد داشت. چنین زنی، توانایی بیشتری در کنترل جنبه‌های مختلف زندگی فردی‌اش به‌دست خواهد آورد و به‌راحتی در چرخه خشونت خانگی باقی نخواهد ماند، اگرچه خروج از این چرخه قطعاً به عوامل و شرایط دیگری در ابعاد فرهنگی،

اجتماعی، آموزشی و... نیاز دارد. با این حال، زنی که استقلال مالی دارد چون دغدغه کمتری در رفع نیازهای روزمره‌اش دارد، مجبور به باقی ماندن در شرایط خشونت خانگی نیست. در واقع، زن عاملیت می‌یابد و این عاملیت در نقشی که این شبکه‌ها در مقاومت علیه نابرابری جنسیتی، ترویج واقعیت‌های جدید اجتماعی براساس ارزش‌های فردگرایانه، شبکه‌سازی، تبادل اطلاعات و توانمندسازی بازی می‌کنند، اهمیت می‌یابد.

وجود سیاست‌های ناکارآمد در رابطه با شبکه‌های اجتماعی و همچنین عدم توجه کافی به توانایی زنان از دیگر یافته‌های حاصل از مطالعه است. در اینجا مشاهده کردیم که کارشناسان و صاحب‌نظران، معتقدند که چارچوب‌های مردانه برنامه‌ریزی در سطح کلان باید تعدیل شوند و زنان و توانمندی آنها در روند توسعه کشور باید در نظر گرفته شود. عدم دغدغه‌مندی منجر به هدر رفتن بخش عظیمی از نیروی انسانی جامعه که می‌توان از آن در مسیر رشد و توسعه کشور استفاده کرد، شده است. آمارهای موجود در زمینه نرخ پایین اشتغال زنان و کاهش آن از حدود ۱۳/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۱۱/۵ درصد در سال ۱۳۹۰، گواهی بر این وضعیت است (محمودیان و رشوند، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

نکته دیگر این است که دولت در اعمال سیاستگذاری مناسب در جهت بهره‌وری از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی غفلت کرده است و با اتخاذ رویکرد مقاومتی نسبت به آنها باعث شده ظرفیت‌های واقعی این شبکه‌ها هدر رود و جنبه‌های سطحی و سرگرم‌کننده بیش از ویژگی‌های قابلیت‌ی و انتقال مهارت‌ها، مورد توجه کاربران قرار بگیرد. در واقع، انتظار می‌رود این شبکه‌ها یک فضا و فرصت برای توانمندی زنان باشند چراکه امکان آموزش و مشارکت در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در اختیار زنان قرار می‌دهند و زنان می‌توانند با استفاده از این فضا، بخشی از عقب‌ماندگی‌هایشان را که در فضای واقعی با آنها روبه‌رو هستند، جبران کنند. با این وجود، شرایط فعلی بیانگر وضعیت دیگری است.

در نهایت اینکه، برخورداری از نگاه سیاسی به این شبکه‌ها، مانعی بر سر راه ارائه آموزش و مهارت برای بهره‌وری کارآمدتر از اینها شده است و در نتیجه، جامعه ایران با آسیب‌هایی مواجه شده که در صورت برخورداری از برنامه آموزشی منسجم، می‌شد از آنها پیشگیری کرد.

منابع

- احمد آبادی پور. لیلا و بامداد. هانیه. (۱۳۹۵). «امور زنان و خانواده در برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۹)»، **مجموعه گزارشات امور زنان و خانواده در برنامه ششم توسعه**، تهران: معاونت امور زنان و خانواده، معاونت برنامه ریزی و هماهنگی.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۴). **قانون برنامه دوم توسعه، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- سایت مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). «جمعیت کشور بر حسب جنس در نقاط شهری و روستایی به تفکیک استان»، **مرکز آمار ایران**. بازنشانی شده در: ۲۱، اسفند، ۱۳۹۷، ۱۰:۴۰ به نشانی <https://www.amar.org.ir> - کلی-نتایج/سرشماری-نتایج/مسکن-و-نفوس-عمومی-سرشماری/1395-سرشماری
- سواری. مسلم و دیگران. (۱۳۹۲). «نقش منابع و کانال‌های ارتباطی و اطلاعاتی در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان دیواندره»، **پژوهش‌های روستایی**. تابستان، دوره ۴، شماره ۲، ۳۶۵-۳۸۴.
- صادقی فسایی. سهیلا و کلهر. سمیرا. (۱۳۸۶). «ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه»، **پژوهش زنان**. پاییز، دوره ۵، شماره ۲، ۵-۲۸.
- صیاد بیدهندی. لیلا و دیگران. (۱۳۹۲). «بررسی قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در توانمندسازی زنان روستایی مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان لاهیجان»، **مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**. تابستان، دوره ۴، شماره ۳، ۱۱۹-۱۴۶.
- فلیک. اووه. (۱۳۹۰). **درآمدی بر تحقیق کیفی**. ترجمه: هادی جلیلی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- کولایی. الهه و حافظیان. محمد حسین. (۱۳۸۵). «نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی»، **پژوهش زنان**. تابستان، دوره ۱۴، شماره ۱ و ۲، ۳۳-۶۰.
- لیندلاف. تامس و تیلور. برایان. (۱۳۸۸). **روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات**، ترجمه: عبدالله گیویان، چاپ اول، تهران: همشهری.
- محمودیان. حسین و رشوند. مرجان. (۱۳۹۰). «مشارکت زنان در نیروی کار در ایران: سطح، روند و عوامل اجتماعی و جمعیتی مرتبط»، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**. پاییز و زمستان، شماره ۱۲، ۱۲۲-۱۴۰.

- مرشدی. لاله و کاظمی. حسین. (۱۳۹۲). «نقش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مرودشت»، **پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی**. بهار، دوره ۶، شماره ۱، ۳۵-۴۵.
- منصور. جهانگیر. (۱۳۸۸). **قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: نشر میزان.
- Baden S, Oxaal Z (1997). **Gender and Empowerment: Definitions, Approaches and Implications for Policy**. BRIDGE (development - gender), Report No.40. Brighton, UK: Institute of Development Studies.
- Baden S, Reeves H (2000). **Gend. and Dev. Concepts and Definitions**. BRIDGE (development - gender), Report No. 55. Brighton, UK: Institute of Development Studies.
- Bala, Pankaj (2017), «Media: A great tool to accelerate the process of Women Empowerment», **Journal of Humanities and Social Science**, 22. 61-65.
- Brodman, J., & Berazneva, J. (2007). «Transforming opportunities for women entrepreneurs». **Information Technologies and International Development**, Special issue on Women's Empowerment and the Information Society, 4(2), 3-10.
- Dejene A (2003). «Integrated Natural Resources Management to Enhance Food Security: The Case for Community-Based Approaches in Ethiopia». **Working Paper** No.16. Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- Financial Tribune. (2018). «Latest Data on Iran: Surge in Social Media Use», **Financial Tribune**. Retrived March 11, 2019 from: <https://financialtribune.com/articles/sci-tech/81536/latest-data-on-iran-surge-in-social-media-use>
- Flangan, Mary and Austin, Booth, eds. 2002. **Reload: Rethinking Women +Cyberculture**, Cambridge, Mass: MIT Press.
- Green, E. and Adam, A. (eds), 1999. «Editorial Comment, Information», **Communication & Society**, vol. 2, no. 4, pp. v-vii
- Kabeer, N. 2001. «Resources, agency, achievements: reflections on the measurement of women's empowerment. In Discussing women's empowerment – theory and practice», B. Sevefjord et al. **SIDA Study** No. 2, 2001. [http:// www.sida.se/Sida/articles/10200-10299/10273/studies3_.pdf](http://www.sida.se/Sida/articles/10200-10299/10273/studies3_.pdf)
- Kemp, S. and Squires, J. (eds), 1998. **Feminisms: An Oxford Reader**, Oxford, Oxford University Press.
- Khan, E. A. & Moin, A. (2013). «Women Empowerment: Role of New Media». Retrieved from http://www.ocwjournalonline.com/Adminpanel/product_images/7f2535d7e476506d7e2a368e4bdb220c.pdf.
- Miller, Jean Baker (1976). **Toward a New Psychology of Women**, Beacon Press.
- Nord, J. H., Paliszkievicz, J., Grubljesuc, T., Scarlat, C., & Svanadze, S., (2015), «Women's empowerment: Social technologies in Slovenia, Romania, and Georgia». **Online Journal of Applied Knowledge Management**. Volume 3, 128-150.
- Nord, J. H., Riggio, M. T., & Paliszkievicz, J., (2017), «Social and Economic Development through Information and Communications Technologies: Italy». **Journal of Computer Information Systems**. 57. 278-285.

- Ogato GS (2013). «The Quest for Gender Responsive Information Communication Technologies (ICTs) Policy in Least Developed Countries: Policy and Strategy Implications for Promoting Gender Equality and Women's Empowerment in Ethiopia». **Int. J. Info. Technol and Bus. Manag.** 15(1): 23-44.
- Sayers, T. M. (1998). «Cyberfeminism in Canada: Women, Women's Organization, the Moment and Internet Technology» (Master thesis). Queen's University, Canada.
- Shirazi, Farid, (2012), «Information and Communication Technology and Women Empowerment in Iran». **Telematics and Informatics**, Volume 29, 45-55.
- Sze, Kit (2003). «When Cyberfeminism Meets Chinese Philosophy: Computer, Weaving, and Women». **Gender, Technology and Development Journal**, 7(3), 379-397.
- Van Zoonen, L. (2002). «Gendering the Internet: Claims Controversies and Cultures». **European Journal of Communication**, 17(1), 5-23.
- Wajcman, Judy (2009). «Feminist Theories of Technology», **Cambridge Journal of Economics**, 34. 143-152.